

The Analysis of the Arbitration Board of Stock Exchange in the Light of the Principles of Fair Trial¹

Ayat Mulaee², Alireza Alimohamadian³

Received: 2021/06/21

Accepted: 2021/11/02

Research Paper

Abstract

Fair trial is one of the most basic human rights that has been spoken about in international documents. In all countries, domestic systems also lay down principles and regulations for a fair trial, which Iran is no exception to. Arbitration has always been a concern for resolving disputes and has always enjoyed special benefits in various legal systems. The area of studied in this paper is the arbitration panel for resolving the dispute between the stock market and has been formed to investigate the differences between traders in this market, which is in the process of investigating violations and disputes arising from the mechanism and procedures of a particular hearing. Although the hearing in this panel is based on the fairness of the administration of justice, it is different because of the particular nature of the issues being dealt with in some cases. This research using a descriptive-analytical approach, seek to answer this question: What are positions the principles of fair trial in the arbitration board of the stock exchange? The research results indicate that in these boards, there is essentially no precise and comprehensive procedure in this regard. Thus, the fair trial principles are not fully respected and just some of the principles that these boards are referring to. Thirdly; some principles, such as the right to appeal, have serious limitations on the relevant documents.

Kew Words: Securities Exchange Organization, Arbitration Board, Fair Trial, Arbitration.

JEL Classification: K4.

1. DOI: 10.22034/JSE.2020.11188.1410

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law & Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran. (amulaee@tabrizu.ac.ir).

3. M.Sc. Student, Department of Public Law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (amalireza7171@gmail.com).



سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۶۶-۱۴۱

تحلیل هیات‌داوری سازمان بورس در آیین اصول دادرسی منصفانه^۱

آیت مولائی^۲، علیرضا علی محمدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

برخورداری از یک دادرسی منصفانه از ابتدایی‌ترین حقوق بشر بوده که در اسناد بین‌المللی نیز در مورد آن صحبت شده است. در عموم کشورها نظام‌های داخلی اصول و مقرراتی را برای برقراری دادرسی عادلانه وضع کرده‌اند که ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست. داوری از دیرباز برای حل اختلاف همیشه مورد توجه بوده است و همواره از مزایای خاصی در نظام‌های مختلف حقوقی برخوردار بوده است. حوزه مورد مطالعه در این مقاله، «هیات داوری حل اختلاف بورس اوراق بهادار کشور» است و به‌منظور بررسی اختلافات میان معامله‌گران این بازار شکل گرفته است که در رسیدگی به تخلفات و اختلافات صورت گرفته از سازوکار و تشریفات دادرسی خاص برخوردار است. هرچند که دادرسی در این هیات در راستای اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری است اما به دلیل ماهیت خاص موضوعات مورد رسیدگی در مواردی نحوه دادرسی متفاوت است. این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی تحلیلی به این پرسش پاسخ داده است: جایگاه اصول دادرسی منصفانه در هیأت داوری سازمان بورس چیست؟ با بکارگیری روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، نتایج پژوهش گویای آن است در این هیأت‌ها: ۱. از اساس آیین دادرسی دقیق و جامعی در این خصوص وجود ندارد. ۲. اصول دادرسی منصفانه به‌طور کامل رعایت نمی‌شود و تنها برخی از اصول مورد توجه هیأت‌های یادشده قرار گرفته است. ۳. برخی اصول، مثل حق تجدیدنظرخواهی، در اسناد مربوطه دچار محدودیت‌های جدی است.

واژه‌های کلیدی: سازمان بورس اوراق بهادار کشور، هیات حل اختلاف بورس، اصول دادرسی منصفانه، داوری.

طبقه‌بندی موضوعی: K4.

DOI: 10.22034/JSE.2020.11188.1410

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). (amulaee@tabrizu.ac.ir).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (amalireza7171@gmail.com).

مقدمه

شکل‌گیری ارتباط‌های گوناگون بین اشخاص، همواره سبب به وجود آمدن تنش‌ها و اختلافات بوده است و این امر ممکن است حق یا منفعتی از شهروندان را به چالش بکشد. امروزه تنوع اختلافات از حیث نوع، ایجاد مراجع متنوع را بیش از گذشته ضروری می‌کند. با اینکه چنین تنوعی، برخی معیارها و اصول وجود دارند که مشترک میان همه مراجع است. نهاد «دادرسی منصفانه» از مصادیق بارز چنین معیارهایی است، زیرا هر کس این حق را داراست که دعوایش را به وسیله مرجعی مستقل و بی‌طرف و به‌طور منصفانه و در ظرف مهلتی عادلانه و با داشتن فرصت برابر برای دفاع از حق خود در برابر طرف مقابل و به‌طور علنی طرح کند و تمام این حقوق از ابتدای رسیدگی تا صدور حکم قطعی و به دنبال آن اجرای حکم صادرشده در مسیر طی این فرآیند دچار صدمه نشود. حق برخورداری از دادرسی منصفانه در اسناد مختلف بین‌المللی پیش‌بینی شده است، مانند مواد ۸، ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، این اصول را یکی از حقوق شناخته‌شده بشر می‌دانند.

بورس اوراق بهادار بر اساس بند ۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ بازاری متشکل و خودانتظام است که در این بازار، اوراق بهادار توسط کارگزاران یا معامله‌گران طبق مقررات این قانون مورد دادوستد قرار می‌گیرد و این بازار زمینه را برای فعالیت حرفه‌ای فعالان بورس فراهم کرده و ایجادکننده روابط حقوقی بسیاری میان فعالان است. بدیهی است که در این بازار ممکن است بین خریداران و فروشندگان این اوراق اختلافاتی پدید بیاید. بنابراین یکی از راهکارهای مهم، وجود نظام حل و فصل اختلافات متناسب با ماهیت بورس است. بازار بورس، دارای مقررات انضباطی و اداری خاص حاکم بر اعضای خود در راستای رفع اختلافات میان اعضا است که با توجه به تخصصی بودن فعالیت در بورس، نیازمند رسیدگی تخصصی، در صورت بروز اختلاف در این حوزه است. به همین منظور فلسفه شکل‌گیری مراجع تخصصی عموماً به منظور رسیدگی تخصصی و دقیق مسائل خاص مربوط به آن حوزه است. به موجب ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، یکی از مراجع حل اختلاف میان فعالان بازار، «هیات داوری» است. تعمیم اصول دادرسی منصفانه به هیات داوری در بورس مبتنی بر این اندیشه است که قلمرو دادرسی اداری را در این حوزه بهبود و متحول سازد.

مقاله پیش‌رو با هدف اشاره به جایگاه اصول دادرسی منصفانه در هیات داوری بورس اوراق بهادار کشور و تطبیق مؤلفه‌های اصول دادرسی منصفانه در این نهاد، تلاش دارد به این پرسش

پاسخ دهد: اصول دادرسی منصفانه در هیأت داوری سازمان بورس چه جایگاهی دارد؟ در این راستا با استفاده از روش پژوهش: توصیفی-تحلیلی سعی در شناخت و بررسی جایگاه این اصول در هیأت هستیم، بنابراین نخست به مفهوم‌شناسی پرداخته و سپس جایگاه اصول مذکور در هیأت گفته شده به قرار آینده به بحث گذاشته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی داوری در بورس

معنای لغوی واژه داوری در لغت‌نامه عمید به معنای حکم، قاضی و به معنای احقاق حق و رفع ترافع و کسی که میان نیک و بد حکم می‌کند آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ۳۶۱). حقوقدانان نیز درباره داوری تعاریفی ارائه دادند از جمله اینکه داوری عبارت است از حل و فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخصی یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آن‌ها را در این جهت انتخاب نموده‌اند (شمس، ۱۳۸۵: ۵۱۷). یا در تعریف دیگر، داوری صرف نظر کردن افراد از مداخله مراجع رسمی در قطع و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی است که توسط اشخاصی که از نظر معلومات و اطلاعات فنی و امانت مورد اعتماد آن‌ها هستند، صورت می‌پذیرد (متین دفتری، ۱۳۴۰: ۱۱۰). در تعریفی دیگر، رنه داوید در مورد داوری این گونه بیان می‌دارد که داوری خود یک فن است که نتیجه استفاده از این فن، خاتمه اختلاف بین دو یا چند شخص و مسائل مربوط به آن اختلاف توسط دو یا چند نفر دیگر به نام داور است که با اختیارات حاصله از یک قرارداد، بر اساس مفاد آن قرارداد رأی می‌دهند بی آنکه از طریق دولت، مکلف به انجام این امر باشند (صفایی، ۱۳۷۵: ۸۴). داوری در فقه نیز از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که مصدري از ریشه حکم به نام تحکیم نامیده می‌شود که در اصطلاح به معنای تفویض قضاوت به شخص ثالث است (نجفی، ۱۴۱: ۱۳۸۴-۱۴۳). البته داوری می‌تواند دارای یک مزیت مخصوص به خود نیز باشد که می‌توان به انگیزه افراد برای رجوع به داوری به دلیل سریع بودن رسیدگی اشاره کرد. سرعت رسیدگی در داوری می‌تواند یکی از ویژگی‌های جذابیت در حل و فصل اختلافات برای مراجعه به نهاد داوری باشد (یوسف‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۶) و این وضعیت بیشتر در داوری‌های اختیاری دیده می‌شود چرا که مفاد قانون آیین دادرسی مدنی بر اینها حکمفرما نیست (مولائی، ۱۳۹۸: ۲۹) و در داوری‌های اجباری که هیأت داوری بورس نیز یکی از این داوری‌ها است کمتر این موضوع دیده می‌شود که خود یک معضل جدی است، زیرا با توجه به ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار منشأ اعتبار صلاحیت داوری متمایز از قانون آیین

دادرسی مدنی است که در آن قانون، منشأ داوری تراضی طرفین بود اما در «هیات داوری»، موضوع ماده مذکور، طرفین نمی‌توانند با تراضی صلاحیت هیات داوری در رسیدگی را به مرجع دیگری منتقل کنند (ر.ک: سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۳۶ و شکری، ایرانشاهی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۸۰)، در تعریف داوری اجباری گفته شده است: ارجاع دعوی و اختلاف به داوری که موقوف به توافق طرفین نباشد را داوری اجباری می‌نامند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۸۴)

در خصوص ماهیت داوری بازار اوراق بهادار می‌توان آن را یک مرجع «اختصاصی»، «غیر دادگستری» و «ویژه» دانست که در زمره مراجع شبه قضایی قرار دارد زیرا اعضای آن می‌توانند اعضای غیر قضایی باشند و ماهیت تصمیمات و فعالیت‌ها و عملکرد آنان شبه قضایی، اختصاصی و ویژه است (ر.ک: صادقی، صادقی مقدم و صالحی، ۱۳۹۴: ۲۴۵) و اما در بازار بورس اوراق بهادار و طبق ماده ۳۶ این قانون، نهاد «داوری»، برگرفته از قانون است و با داوری مطروحه در قانون آیین دادرسی مدنی که امری اختیاری و بر مبنای توافق طرفین است متفاوت است و طرفین نمی‌توانند صلاحیت هیات داوری را در رسیدگی سلب کنند، هر چند می‌توان به وجود تشابهاتی نیز در بین آنان اشاره کرد از جمله این مورد که رسیدگی و صدور رأی بر حسب مقررات بوده و برگرفته از قانون است.

باید توجه داشت اختلاف در بورس، ممکن است در سطوح مختلف شکل بگیرد و بین ارکان این بازار با یکدیگر اتفاق بیفتد که این ارکان عبارت‌اند از: خریدار و فروشنده و کارگزار و شرکت پذیرفته‌شده و حتی ممکن است بین هریک از این ارکان گفته شده با سازمان بورس اختلافی شکل بگیرد. در ماده ۱۷ «قانون تأسیس بورس اوراق بهادار» مصوب ۱۳۴۵، مقرر شده بود: در صورت بروز اختلاف بین کارگزاران و فروشندگان و خریداران این اختلاف در یک هیات داوری متشکل از سه داور مطرح شود. هر چند این قانون توسط قانونگذار در سال ۱۳۸۴، با قانون جدیدی به نام «قانون بازار اوراق بهادار»، نسخ شد اما در قانون لاحق بیشتر از قانون سابق، به نهاد «داوری در بورس» توجه شده است. بنابراین، نهاد یادشده، جایگاه ویژه‌ای را به اعتبار: الف) «صلاحیت به اعتبار اشخاص فعال در بازار» و ب) «صلاحیت به اعتبار موضوع مورد اختلاف»، به خود اختصاص داده است. مشاهده می‌شود صلاحیت هیات داوری، تنها محدود به رسیدگی حقوقی به اختلاف است و در صورت اثبات، حکم به جبران خسارت می‌دهد و صلاحیت صدور حکم کیفری یا انضباطی را ندارد. در این راستا، ماده ۳۶ قانون بازار در مورد رسیدگی به اختلاف در هیات داوری این چنین اشعار می‌دارد: «اختلافات بین کارگزاران، بازار

گردانان، کارگزار / معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها توسط هیأت داوری رسیدگی می‌شود.» مشاهده می‌شود در صورت عدم سازش در کانون‌ها که مرحله ابتدایی سازش است؛ مرحله دوم حل و فصل اختلاف، با صدور گواهی عدم سازش، توسط هیأت داوری کلید خواهد خورد (ر.ک: میرائی منفرد، ۱۳۹۵: بخش دوم). به صراحت ماده ۱۲ «آیین رسیدگی به اختلاف در هیأت داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» (پیوست بند ۸ صورتجلسه ۵۸۷ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۴)،^۱ در صورت عدم ضمیمه گواهی مزبور، هیأت داوری به اختلاف طرفین رسیدگی نخواهد کرد. پس طرفین ابتدا باید به کانون ذی‌ربط مراجعه کنند و در صورتی که در کانون مزبور صلح و سازش انجام شود دیگر نیازی به طرح دعوا در هیأت داوری نخواهد بود (میرزایی منفرد، ۱۳۸۷: ۴۶). به موجب ماده ۳۷ قانون سال ۱۳۸۴، اعضای هیأت داوری در بورس را نماینده قوه قضائیه از میان قضات باتجربه، دو نفر صاحب‌نظر در زمینه اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار که تأیید شورای عالی بورس و اوراق بهادار باید به همراه داشته باشد و همچنین رئیس قوه قضائیه و سازمان بورس با تأیید شورا عالی بورس هر کدام یک نفر را به عنوان عضو علی‌البدل معرفی می‌نمایند که شرایط عضو علی‌البدل مانند شرایط عضو اصلی است. مطابق تبصره ۱ همین ماده، ریاست هیأت داوری با نماینده قوه قضائیه است و مطابق تبصره ۲ همان ماده، مدت مأموریت اعضای اصلی و علی‌البدل دو سال است و انتخاب مجدد آنان برای حداکثر دو دوره دیگر بلامانع است. جلسات هیأت هر هفته با حضور سه عضو اصلی و در غیاب آنان با حضور عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و چنانچه حضور طرفین دعوا، گواه، کارشناس و یا سایر ادله مؤثر در دعوا لازم باشد توسط دبیرخانه هیأت به جلسه دعوت می‌شوند (قربانیان، ۱۳۸۸: ۲۷). البته جلسه هیأت داوری با حضور سه عضو اصلی و یا در غیاب عضو یا اعضای اصلی، حسب مورد با حضور عضو یا اعضای علی‌البدل رسمیت می‌یابد. در قانون آشکار نشده است که قسمت اخیر ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار تنها اشاره به شرکت عضو علی‌البدل در هیأت داوری و در صورت غیبت عضو اصلی دارد، در صورتی که جلسات رسیدگی هیأت داوری و تصمیم‌های آن از اساس با ترکیب سه عضو به مقتضای شکل داوری جمعی برگزار می‌شود. از بیان قانون‌گذار می‌توان این گونه استنباط کرد

۱. برای پیشگیری از اطاله کلام، زین پس بجای عبارت بالا از عبارت: «آیین رسیدگی به اختلاف» استفاده خواهد شد.

که برخی تصمیمات به اقتضای ضرورت، مانند دستور به دعوت از طرفین و ابلاغ مدارک و تأدیه هزینه کارشناسی می‌تواند توسط رئیس هیات و یا با حضور یک نفر از اعضا صورت گیرد (سوادکوهی، ۱۳۸۸: ۱۲). به موجب بند ۱۲ از ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار، تعیین حق الزحمه اعضای هیات داوری از وظایف شورای عالی بورس است. درخصوص چگونگی ابلاغ آرای صادره از هیأتها باید گفت که آرای این مراجع، برابر با مواد آیین دادرسی مدنی مواد ۶۷ تا ۸۳ ابلاغ می‌شود اما امکان استفاده از سایر شیوه‌های نوین هم وجود دارد و مطابق تبصره ۵ از ماده ۳۷ آرای صادرشده از هیات‌های داوری قطعی و لازم‌الاجراست و اجرای آن بر عهده اجرای احکام دادگاه‌ها، اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت‌اسناد و املاک است.

۲. مفهوم دادرسی منصفانه

دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است (فضائلی، ۱۳۸۸: ۴۵). در ادبیات قضایی واژه انصاف معناهایی همچون وصف بی‌طرفی، آزادی از تعصب و دوری از جانب‌داری، دوری از منفعت شخصی و برابری اصحاب دعوا را به ذهن متبادر می‌کند و عبارت دادرسی منصفانه نیز متبادر کننده همین معنا به ذهن است (همان: ۱۳۸۸: ۲۹۳). انصاف را در حقوق عمومی، اساساً می‌توان به معیاری تعبیر کرد که در کنار قانون، آن را تکمیل یا تعدیل یا اصلاح کرده و بدین گونه، «قانون» را موجه‌سازی می‌کند (مولائی، ۱۳۹۸: ۶۵). ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس که عمده تأکید آن بر عدالت است انصاف را متمایز از عدالت می‌داند که البته جنس مفهوم انصاف از عدالت متمایز نیست، زیرا امر منصفانه در حقیقت امری عادلانه نیز است. اما نه بر اساس قانون، بلکه انصاف نوعی اصلاح در عدالت حقوقی است و نظر به اینکه قواعد حقوقی عام هستند، ممکن است مصادیق آن‌ها گوناگون باشد و قواعد توانایی ارائه عدالت در موارد خاص را ندارند، پس اگر با وضع یک قاعده عام، موردی پدید آید که در الگوی عام گنجانده نشود درست آن است که این نقض را طوری اصلاح کنیم که اگر قانون‌گذار نیز به هنگام وضع قانون از این مورد آگاهی پیدا می‌کرد به همین منوال عمل می‌کرد (کلی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۹). البته باید به این موضوع توجه داشت که رعایت بی‌طرفی و استقلال در رسیدگی به معنای داشتن حق دادرسی منصفانه برای طرفین دعوا نیست. در ابتدا ممکن بود این موضوع مطرح گردد که وصف منصفانه بودن، زائد بر کلمه دادرسی است و انصاف خود در کلمه دادرسی نهاده شده است اما می‌توان به این موضوع اشاره

کرد که یک مرجع مستقل نیز می‌تواند با جانب‌داری از بعضی گروه‌های سیاسی یا دستگاه‌ها و نهادهای دولتی اصول دادرسی منصفانه را آسیب پذیر می‌کند.

در بررسی اصل دادرسی منصفانه، با مفهوم عدالت طبیعی مواجه هستیم. عدالت طبیعی بر دو اصل مهم استوار است. اصل اول که از آن به «قاعده بی‌طرفی» تعبیر می‌شود. ترجمان این آموزه قدیمی است که هیچ‌کس نمی‌تواند در موردی که خود در آن ذینفع است قاضی باشد. اصل دوم عدالت طبیعی را می‌توان به سادگی به حق متهم یا مدعی علیه بر ارائه دلایل خود و در حقیقت «شنیده شدن» دعاوی و دلایل او بازگرداند. این اصل بر پایه این آموزه قدیمی است که هیچ‌کس را نباید محکوم کرد مگر آنکه فرصت معقولی به او داده شود تا دلایل دعاوی خود را مطرح کند (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۰، ۲۵۷). بر مبنای این آموزه می‌توان گفت: دادرسی منصفانه با الهام از عدالت طبیعی، به اقتضائات حق‌بنیانی شهروندان در امر دادرسی نظر دارد (مولائی، ۱۳۹۸: ۶). امروز اصولی همچون: علنی بودن دادرسی، قانونی بودن دادگاه یا مرجع رسیدگی‌کننده و لذا تساوی سلاح طرفیت دعوی و تسلط ایشان بر جهات دعوا و هم‌چنین عملکرد دموکراتیک در فرآیند دادرسی و غیره، از جمله اصولی هستند که به ناچار از وصف منصفانه بودن دادرسی ناشی می‌شوند و بنابراین اصل عدالت طبیعی اگرچه برای یک دادرسی لازم است اما در مقایسه با اصول، مبانی و غایت دادرسی کافی نیست. با این توضیح، توسعه حقوق بشری اصل دادرسی منصفانه منجر به این خواهد شد که مقامات اداری به هنگام تصمیم‌گیری ملزم به رعایت اصول انصاف آئینی باشند (هداوند، ۱۳۸۹، ۴۸۰).

باید در نظر گرفت که مکانیسم دادرسی منصفانه مقوله‌ای ایستا و ثابت نیست و برحسب شرایط، به‌ویژه شرایط موضوعی، قابل‌تغییر و تکامل است و آنچه دارای اهمیت بسیار است نتیجه‌ای است که از آن باید انتظار داشت. در این راستا به بیان مهم‌ترین اصولی که باید در هر مرحله از دادرسی در هیات‌های داوری بورس حاکم گردد و دادرسی را به‌سوی مسیری هدایت کند که برآیند آن منتج به دادرسی منصفانه شود موردبررسی قرار می‌گیرد.

۳. اصول و جایگاه دادرسی منصفانه در هیات‌های حل اختلاف در بورس

اصل دادرسی منصفانه زیرمجموعه‌ها و عناصر گوناگونی را در برمی‌گیرد. در اینجا با درنظر گرفتن معیار «نوع دادرسی»، به رئوس اصول دادرسی منصفانه مرتبط با هیات داوری بورس اوراق بهادار کشور، پرداخته می‌شود. مهمترین اصول مربوطه، به اعتبار دو مفهوم: «سازمان» و

«عملکرد» تحت دو عنوان کلی: «اصول ساختاری هیات دآوری» و «اصول مرتبط با نحوه رسیدگی» به بحث آسیب‌شناختی گذاشته می‌شود.

اصول ساختاری و سازمانی هیات دآوری

در بررسی این عناصر، ساختار، تشکیلات و سازمان هیات دآوری مورد توجه است و همچنین عوامل مؤثر بر استقلال و بی‌طرفی در فرآیند رسیدگی و عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها مدنظر است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

استقلال هیات دآوری

استقلال هیات دآوری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که مرجع در استنباطی که از قانون می‌کند، آزاد است و در این باره تابع نظر کسی نیست. تنها دستوری که از آن باید تبعیت کند دستور قانون است (طباطبایی مومتمنی، ۱۳۷۰: ۵۴). عدم استقلال هیات دآوری بنیان منصفانه بودن یک دآوری را مختل می‌کند. در خصوص استقلال هیات دآوری به‌عنوان یکی از مراجع حل اختلاف در بورس اوراق بهادار کشور باید بین مراحل مختلف استقلال در تصمیم‌گیری و صدور رأی و نیز استقلال سازمانی قائل به تفکیک شد. قانون‌گذار در تکاپو برای رعایت هرچه بیشتر استقلال این هیات، ترکیب آن‌ها را در ماده ۳۷، مرکب از سه عضو که یک عضو آن توسط رئیس قوه قضاییه از میان قضات باتجربه و دو عضو دیگر از میان صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تأیید شورا انتخاب می‌شود، تعریف کرده است. آنچه فرض شده انگاشته می‌شود این است که هیأت هم از جنبه «بیرونی» و هم از نظر «درونی»، دارای استقلال هستند در غیر این صورت فلسفه وجود این نهاد زیرسوال خواهد رفت. به این صورت که از جنبه بیرونی، اعضای هیأت هیچ تکلیفی مبنی بر پیروی از نظرات مقامات انتخاب‌کننده ندارند، پس در عالم نظر، استقلال در تصمیم‌گیری «گروهی» اعضا محفوظ است، هرچند که از منظر تفسیر واقع‌گرایانه حقوق، نمی‌توان به «سایه تفکر» مقام انتخاب‌کننده بی‌تفاوت بود. از سوی دیگر از حیث درونی، در میان اعضای سه‌گانه هیأت، هیچ‌گونه رابطه سلسله‌مراتبی وجود ندارد و از این حیث استقلال «فردی» اعضا مفروض تلقی می‌شود (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۹).

از نظر گاه استقلال سازمانی باید گفت که به موجب تبصره ۴ ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار بودجه این هیات در قالب بودجه سازمان بورس اوراق بهادار پرداخت می شود و تدوین بودجه و مراقبت در مصرف آن از مسائل اجرایی است که در تشکیلات هیات داوری سازوکار لازم برای آن دیده نشده است. بنابراین امر بودجه نویسی و مسائل خاص آن در عمل توسط سازمان بورس اوراق بهادار انجام می پذیرد^۱ (سلیمانی فر، ۱۳۹۲: ۵۴). این فرآیند با توجه به اینکه دبیرخانه هیأت به استناد ماده ۳۷ در محل سازمان بورس قرار دارد شائبه وابستگی سازمانی و ساختاری هیأت به سازمان را به شدت افزایش می دهد که این می تواند به تصمیم های این هیات در راستای منافع سازمان جهت دهد و نیز می تواند در ضایع کردن حقوق اصحاب دعوا و مخدوش کردن استقلال هیات داوری، نقش بسزایی ایفا کند. تنها نکته امیدوار کننده در خصوص مفهوم اسناد مربوطه، ماده ۵۴ «آیین رسیدگی به اختلافات» است که برابر آن، اعضای غیرقضایی موظف شده اند قبل از شروع بکار، سوگندنامه ای را امضا کنند که از جمله موارد مطروحه در آن، استفاده از حداکثر توان خود در اجرای قوانین و مقررات و «مراعات استقلال» بیان شده است (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۵).

حق دادخواهی و دسترسی به مرجع رسیدگی

تظلم و دادخواهی از جمله حقوق ابتدایی همه افراد به شمار می رود تا افرادی که آزادی و امنیتشان به نحوی از انحا در معرض آسیب قرار گرفته، برای صیانت از آن امکان مراجعه به مراجع صالح را داشته باشند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۹۴). با توجه به تبصره ۳ ماده ۳۷ که مقرر داشته است: هیات داوری دارای دبیرخانه ای است که در محل سازمان تشکیل می شود. به نظر می رسد تشکیلات سازمانی هیأت، به صورت انحصاری در محل سازمان قرار دارد که البته دستیابی به آن برای همگان از حیث داشتن هزینه و بعد مسافت به سادگی حاصل نمی شود و در عمل حق دسترسی برای همگان بی تردید با چالش مواجه است. درواقع از یک سو، از آنجایی که اصل ۳۴ قانون اساسی بصورت مطلق، دادخواهی را حق مسلم افراد دانسته است بنظر می رسد اعمال مدلول این اصل در اینجا برای احراز حق شکایت و دسترسی فعالان بورس کافی باشد. اما درخصوص اینکه اگر هیأت شکایت ذینفع را استماع نکند چه باید کرد؟ منطوق اسناد مربوطه در این خصوص راهگشا نیستند، از سوی دیگر، نگاهی به «آیین رسیدگی به اختلافات» گویای

۱. بند ۱۵ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار در مورد وظایف و اختیارات هیات مدیره، سازمان می گوید: تهیه بودجه و پیشنهاد انواع درآمد و نرخ های خدمات سازمان جهت تصویب توسط شورا.

آن است این سند، مفروضاً بر حق دسترسی فعالان بورس (موضوع ماده ۳۶) استوار شده است، در غیر این صورت، خود این سند موضوعیت خود را از دست خواهد داد هرچند که در سندنویسی، نوعی از ابهام مشاهده می‌شود چرا که در ماده ۱۰ «آیین رسیدگی به اختلافات» در خصوص نوع صلاحیت هیأت، از واژه «می‌تواند» استفاده شده است. پس هیأت در رسیدگی به دعاوی بورسی از «صلاحیت تشخیصی» برخوردار است. این وضعیت منجر به مخدوش شدن حق دسترسی به مرجع صالح و به محاق رفتن چنین حقی خواهد شد (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۵).

در دنیای امروز به دلیل مطرح شدن بحث مدیریت اطلاعات، مفهوم «دادرسی مجازی» نیز مطرح شده است زیرا در دادرسی مجازی به نوعی اطلاعات مورد تبادل در نظام عدالت قضایی را تحت مدیریت قرار می‌دهد (مهرافشان، ۱۳۹۰: ۲۹۱). دولت الکترونیک امکانات گسترده‌ای را فراهم می‌کند و با بکارگیری فناوری‌های جدید، موجب ارائه سریع‌تر خدمات در بخش عمومی، پاسخگوتر شدن مأموران دولتی، شفاف‌سازی اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولتمردان، مشارکت اثربخش‌تر شهروندان و اعضای جامعه مدنی در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی، گسترش عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات و غیره را فراهم می‌کند (یعقوبی، ۱۳۹۶: ۲۱۱). در این زمینه همان‌طور که پیش‌تر گفته شد نخست، سازش در کمیته‌های حل اختلاف، واقع در کانون مطرح و رسیدگی می‌شود و در صورت حاصل نشدن سازش در موضوع مورد اختلاف با صدور گواهی عدم سازش، پرونده به داوری ارجاع شده و توسط هیات داوری به آن اختلاف رسیدگی می‌شود. برای طرح ابتدایی شکایت در کانون و تقدیم دادخواست روش‌های متعددی از جمله: ۱- سامانه ثبت شکایت کانون بورس اوراق بهادار^۱ ۲- سایت کارگزاران بورس و اوراق بهادار^۲ ۳- مراجعه حضوری به کانون کارگزاران و تکمیل فرم دادخواست، پیش‌بینی شده است. از آن جا که طرح شکایت و شروع به رسیدگی از طریق خدمات الکترونیکی نیز فراهم شده است، می‌توان گفت که این امر می‌تواند اثر مثبت و معناداری بر رضایتمندی شهروندان در راستای رعایت اصول دادرسی منصفانه داشته باشد. نگاهی به «آیین رسیدگی به اختلافات» گویای آن است که به تازگی استفاده از سازکارهای فضای مجازی در جهت تسهیل در دسترسی به این مرجع پیش‌بینی شده است. مهمترین مواد مربوطه شامل: ماده

1. www.Shekyatat.seo.ir

2. www.seba.ir

۱۴) ثبت الکترونیکی دادخواست توسط خواهان در سامانه)، ماده ۲۹ (ابلاغ اوراق، خطاریه‌ها و آرای هیأت) و بند «ح» ماده ۱ (پیگیری دعاوی) است. مشاهده می‌شود فضا برای دادرسی مجازی، دست کم در ارتباط با مواد گفته شده فراهم است.

بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده

در چارچوب این اصل، نوعی از اطمینان مطرح است برای این که رسیدگی‌کننده قدرت خود را بر اساس منافع شخصی یا نفوذ خارجی اعمال نکند و تحت تأثیر یکی از طرفین قرار نگیرد یا از یکی طرفداری نکند، خود نیز در نتیجه دعوا ذینفع نباشد (هداوند، ۱۳۸۶: ۲۸۷). به استناد مفهوم بی‌طرفی، رأی قاضی هم باید نسبت به خواننده و هم نسبت به خواهان عادلانه و مناسب باشد و این وظیفه قاضی است که نسبت به این امر اطمینان حاصل کند و عدم رعایت هریک از این موارد، می‌تواند حتی قاضی را در خصوص جبران خسارات حاصل شده مسئول قرار دهد (موسوی، ۱۳۸۸: ۳۶۱).

در اسناد مختلف به مقوله بی‌طرفی توجه یا تأکید شده است. برای مثال در متون فقه امامیه، به پیروی از روایات، موضوع بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده در سه محور مورد بحث قرار گرفته است. نخستین مورد بی‌طرفی در صدور حکم است که صادرکننده حکم موظف است با بی‌طرفی کامل و برقراری عدالت به صدور حکم بپردازد. دومین مورد بی‌طرفی در رفتار است که فقها به دودسته در این زمینه تقسیم می‌شوند گروهی معتقد به وجوب بی‌طرفی در رفتار ظاهری هستند و گروهی معتقد به استصحاب بی‌طرفی در رفتار ظاهری هستند. سومین مورد، بی‌طرفی در تمایلات قلبی است که عموم فقها یادآور شده‌اند که مراعات بی‌طرفی و مساوات از این نظر واجب نیست (فخارطوسی، ۱۳۹۱: ۳۶۴-۳۷۳). همچنین در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در خصوص اصل بی‌طرفی آمده است که در یک دادگاه، بی‌طرفی یکی از عناصر اصلی تضمین‌های حداقلی در اجرای عدالت به شمار می‌رود (زیتون و گازمن^۱، ۲۰۰۷: ۲۸).

تصور هرگونه منافع: حزبی، صنفی، مادی، معنوی و سازمانی، بی‌طرفی مرجع را از بین خواهد برد. برای بررسی این مطلب از دیدگاه هنجاری، باید به اصول کلی مراجعه کرد و چنین گفت که رعایت مدلول این اصل، مفروض این گونه رسیدگی است. همچنین با وحدت ملاک

1. Zeitune, Guzman

از ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی در زمینه رد دادرسی می‌توان این ماده را در تمامی مراجع رسیدگی‌کننده به اختلافات، صیانت‌کننده اصل بی‌طرفی در فرآیند دادرسی دانست، اما در خصوص اعضای هیأت داور به‌ویژه دو عضو معرفی‌شده از طرف رئیس سازمان، نمی‌توان به الزام قانونی برای پیروی از مدلول ماده یادشده در هیأت سخن گفت. همچنین در عالم نظر باید گفت به راستی به همان میزانی که نمی‌توان از دلایل محکمه‌پسند دال بر بی‌طرفی آن‌ها سخن گفت به همان میزان نیز نمی‌توان از جانب‌داری آن‌ها سخن به میان آورد اما از نظرگاه منطق حقوق «عمل‌گرا» و «واقع‌گرا» باید گفت که در غیاب اصول و مؤلفه‌های تضمین‌کننده «حق»ها، بی‌طرفی در «آستانه» بحران قرار دارد. با این حال در «آیین رسیدگی به اختلافات» به مقوله بی‌طرفی به صراحت پرداخته شده و مفروض رسیدگی دانسته شده است. در بند «ث» ماده ۵ «سند اخیر، از جمله مواردی که به تشخیص رئیس هیأت عضو علی‌البدل جایگزین عضو اصلی در جلسات دادرسی خواهد شد: «مورد تردید بودن بی‌طرفی عضو اصلی» یاد شده است. ناگفته پیداست این عبارت‌پردازی کلی بوده و فاقد معیار عینی برای تشخیص موضوع است اما در ادامه، ماده ۵۴ «آیین رسیدگی به اختلافات»، اعضای غیرقضایی هیأت را موظف ساخته است قبل از شروع بکار، سوگندنامه‌ای را امضا کنند. از جمله شروط مقرر در آن سوگندنامه: رعایت «بی‌طرفی کامل»، رعایت «امانت و تقوا» و پرهیز «از هرگونه جانبداری و اعمال تبعیض بین اصحاب دعوی» یاد شده است. این نکته قوت در سند گفته شده، نشانه بارزی بر حرکت این سند در راستای دادرسی منصفانه بشمار می‌رود. هر چند که مهمترین نکته ضعف این سند، نبود ضمانت اجرای قانونی مشخص در جهت پاسداشت اهداف بی‌طرفی از طریق بازنگری قضایی آرای صادره از هیأت‌ها است (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۷).

صالح بودن مرجع رسیدگی‌کننده

بنیان توجیهی صالح بودن مرجع رسیدگی‌کننده بر اصل حکومت قانون و اصل صلاحیت استوار است. در بند ۴ ماده ۱ آمده است: «هیأت داور: هیأتی است که به موجب ماده ۳۷ این قانون تشکیل می‌شود» و ماده ۳۶ بیان می‌دارد: اختلاف بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران، سرمایه‌گذاران، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها، توسط هیأت داور رسیدگی می‌شود. با توجه به مواد نامبرده شده این هیأت از پشتوانه قانونی برای رسیدگی

برخوردار است و این امر بیان‌کننده سازگاری آن با اصل حکومت قانون است. بنابراین سایر مراجع از صلاحیت رسیدگی به اینگونه پرونده‌ها برخوردار نیستند. چرا که صلاحیت این هیأت: ذاتی، غیرقابل تفویض، اجباری و آمره است (ر.ک: شکری، ایرانشاهی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۸۰). در این راستا، مواد ۶ تا ۱۱ «آیین رسیدگی به اختلافات» به موضوع صلاحیت کمیته سازش و این مرجع پرداخته و بدین وسیله قلمروی اختیارات آن را مشخص ساخته و در مواد بعدی (ماده ۱۲ به بعد) چگونگی رسیدگی در هیأت به بحث گذاشته شده است. مرزهای چنین صلاحیتی بویژه در مواد: ۱۲، ۲۵، ۲۸، ۳۳، ۴۵ و ۵۸ آمده و حوزه‌های سلبی و ایجابی چنین صلاحیتی مشخص شده است. بنابراین چنین فرض است که این مرجع نمی‌تواند در خصوص پرونده‌های بورسی، دلبخواهی عمل کند. پس در نتیجه هیأت داوری بورس از حیث دارا بودن صلاحیت قانونی، دارای جایگاه شایسته قانونی است.

اصول مربوط به نحوه رسیدگی

اهمیت این عناصر در فرآیند دادرسی بورس بسیار زیاد است، زیرا این عناصر هستند که سرنوشت یک دادرسی منصفانه را مشخص می‌کنند و نبود هر کدام از آنها، دادرسی را از مقصود منصفانه بودن دور می‌سازد. بدیهی است که نقش اصحاب دعوا در این مورد دارای اهمیت است و نتیجه‌ای که از آن به دست می‌آید پررنگ‌تر است در زیر به بررسی اصول شاخص مربوط به این دسته می‌پردازیم.

اصل تساوی سلاح‌ها

این مؤلفه در فقه به معنای وجوب تسویه بین خصمین است (غفاری، کلیمانی ۱۳۸۵: ۱۲۱). منظور از اصل برابری سلاح‌ها این است که همه اشخاص باید بدون تمایز نژادی، مذهبی، جنسی، مالی و غیره از حق دسترسی یکسان به دادگاه بهره‌مند شوند و هر کس که علیه وی در مرجعی، پرونده‌ای در جریان است بتواند دفاعیات خود را به شخصی که قرار است در خصوص پرونده باشد تصمیم‌گیری کند، ارائه کند. این اصل یکی از اصول مسلم دادرسی منصفانه است. این اصل بدین جهت دارای اهمیت است که بدون رعایت آن، مرجع رسیدگی‌کننده برای صدور رأی مقتضی، نمی‌تواند تمامی دلایل و شواهد را بررسی کند و چه‌بسا با نبود این اصل برخی اصول دیگر دادرسی منصفانه هم از بین برود. برای نمونه یکی از دلایل حضوری بودن دادرسی این است که شخص می‌تواند با حضور خود در دادگاه به دفاع از منافع و حقوق خود بپردازد.

حال اگر فرصت دفاع به چنین شخصی اعطا نشود یا فرصت به نحوی باشد که نتواند از آن استفاده کند، در حقیقت مسئله حضوری بودن دادگاه از این بابت از بین خواهد رفت. به بیان بهتر در همه دعاوی و اختلافات اعم از کیفری، حقوقی و اداری باید اصحاب دعوا از امکان یکسانی برای کسب اطلاع از مسائل وارده علیه طرف مقابل خود برخوردار باشند و در طول دادرسی، باید به طرفین اجازه داده شود که بتوانند ادعاهای خود را طبق قانون اثبات کنند. هرگونه تبعیض در این خصوص می‌تواند دادرسی را به غیرمنصفانه تبدیل کند (همان، ۱۳۹۰: ۱۰۵). پس تساوی طرفین در یک دادرسی برای ارائه اسناد و مدارک خود و همچنین دسترسی به ادعاها، ادله و استنادات رقیب، شاخصه‌های محوری است که در راستای دستیابی به ایده تساوی سلاح‌ها ضروری است.

در رویه فعلی هیات داور، پس از تکمیل پرونده و صدور دستور تعیین وقت توسط هیات، نسخه‌ای از دادخواست خواهان و ضمایم آن به خوانده ابلاغ می‌شود تا ظرف مهلتی مشخص به آن پاسخ داده و سپس با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ به اصحاب دعوا، پرونده در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد. اعضای هیات مکلف‌اند با رعایت اصل تناظر و توافقی بودن به اختلاف رسیدگی کنند و صدور رأی منوط به رعایت شرایطی از جمله اینکه داور باید در رسیدگی و صدور رأی اظهارات طرفین را گوش کند و فرصت دفاع را به هر دو طرف بدهد و دلایل و مستندات هر یک را مورد بررسی قرار دهد و چنانچه برای گرفتن تصمیم جلب نظر کارشناس ضرورت داشته باشد، کارشناس انتخاب کند، طرفین نیز باید همکاری لازم را با داور بکنند و اسناد و مدارک خود را به داور یا داوران تسلیم کنند^۱ (سلیمانی‌فر، ۱۳۹۲: ۸۸). اگر چه در مفهوم اسناد مرتبط با هیأت داور، به اصل یا شده اشاره صریحی نشده است و ممکن است از دیدگاه پوزیتیویستی، اعضای هیأت تکلیفی به رعایت این اصل ندارند، پس بهتر بود در خود قانون و یا آیین‌نامه مربوط به آن به‌طور مستقل به این موضوع در راستای تحکیم دادرسی منصفانه اشاره می‌شد. با این حال، نگاهی به مواد «آیین سیدگی به اختلافات» گویای آن است اول: بعضی مواد این سند، به فرض بر این اصل استوار گشته است. به طور مشخص در این خصوص می‌توان به ماده ۱۷ راجع به برابری طرفین در انتخاب وکیل تصریح شده است. دوم: موادی که مبتنی بر خصوصیت یکی از طرفین پرونده نگاشته نشده است منطقاً و مفروضاً بطور برابر دربرگیرنده هر دو طرف

۱. ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی

دعوا بصورت مساوی است. برای نمونه در ماده ۲۹ به شیوه ابلاغ اوراق و آراء به طرفین پرداخته شده است یا اینکه در ماده ۲۹ مفروضاً به حق حضور طرفین در جلسه دادرسی پرداخته شده است، بنابراین در اینجا، همان ضوابطی که برای خواهان پیش‌بینی شده است برای خوانده نیز اعمال خواهد شد. سوم: در مواردی که اقدامات رسیدگی در صلاحدید اعضای هیأت قرار گرفته است به تبع آن، نمی‌توان انتظار داشت که اصل گفته شده حتماً رعایت خواهد شد. برای مثال در ماده ۳۶ به صلاحیت تخییری اعضای هیأت در خصوص دعوت از هر یک از طرفین دعوی یا شخص دیگر تصریح شده است. چهارم: از آنجایی که برابر ماده ۱۹، تنها دستگاه‌های حکومتی در فرآیند دادرسی به جای وکیل دادگستری، از نمایندگان حقوقی دستگاه می‌توانند بهره‌مند شوند، در نتیجه در اینجا اصل یادشده نقض شده است. پنجم: اگر قائل به این باشیم که اصل برابری سلاحها مفروض هرنوع دادرسی است و بنابراین در مقام شک در تکلیف باید به اصل رجوع کرد یعنی هر جا سند سکوت کرده باشد فرض بر لزوم رعایت اصل برابری سلاحها خواهد بود (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۹). با این حال تضمین دقیقی نسبت به رعایت مفاد این اصل در همه ابعاد رسیدگی در رویه وجود ندارد.

علنی بودن جلسه رسیدگی

علنی بودن دادگاه را می‌توان از عواملی دانست که منجر به جلب اعتماد عمومی، جلوگیری از تشکیل دادگاه سری، نظارت عمومی بر عملکرد دادگاه و جلوگیری از فساد قضایی، بالا بردن شأن رأی صادره می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۰۵). در نتیجه رسیدگی به یک دعوا باید به‌طور علنی باشد که علاوه بر این که طرفین امکان حضور پیدا خواهند کرد، این امکان نظارت را نیز در جلسات برای تحقق هر چه بیشتر عدالت تسهیل خواهد کرد. همچنین صرف حضور اصحاب دعوا ضامن منصفانه بودن دادرسی نخواهد بود، بلکه طرفین باید بتوانند امکان و فرصت طرح ادله خود را نیز داشته و در مقابل ادعاهای طرف مقابل فرصت دفاع نیز داشته باشند. باید این فرصت‌ها بدون تبعیض به‌صورت برابر در اختیار اصحاب دعوا قرار گیرد و در این صورت است که هیأت داور می‌تواند بر مبنای عدالت حکمی را صادر کند. از آنجاکه تمامی مراجع رسیدگی‌کننده به اختلافات، امانت‌دار مردم هستند با علنی بودن محاکمات، عملکرد آنها تحت نظارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می‌گیرد و از گرایش‌های انحرافی در آنها جلوگیری خواهد شد و این امر زمینه امنیت قضایی را به بهترین نحو فراهم خواهد کرد و

برعکس جلسات غیرعلنی علاوه بر فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم، سبب توسعه شایعه علیه سازمان مربوط را فراهم می‌کند و احتمال تضییع امنیت شهروندان را قوت می‌بخشد (هاشمی، ۳۰۷: ۱۳۸۴-۳۰۸).

در رویه فعلی هیات داورى، پس از تکمیل پرونده مطروحه، دبیرخانه پس از صدور قرار تعیین وقت، پرونده را در نوبت رسیدگی قرار می‌دهد و به دلیل خصوصی بودن دعوا، جلسات به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود (سلیمانی‌فر، ۱۳۹۲: ۸۸). به همین منظور بسیاری از قواعدی که به جلسات علنی بار می‌شود از جمله نظارت افکار عمومی، شناخت دادرسی رخ نمی‌دهد و به همین جهت یکی از شاخصه‌های اصلی دادرسی منصفانه در هیات داورى اعمال نمی‌شود. با این حال به استناد اصل ۱۶۵، اصل بر علنی بودن دادرسی است مگر این که در دعاوی خصوصی، طرفین درخواست برگزاری غیرعلنی دادرسی را داشته باشند. در نتیجه از ابتدا، هیأت مجاز نیست دادرسی را غیرعلنی برگزار کند و لذا رویه کنونی هیأت، خلاف اصل یادشده است. در «آیین رسیدگی به اختلافات» که مصوب ۱۳۹۸ است به این اصل سلباً یا ایجاباً تصریح نشده است. با این حال مواد ۳۵ تا ۳۷ به نوعی در شفاف‌سازی جایگاه این اصل در این سند می‌تواند مفید فایده باشد. در ماده ۳۵ به امکان حضور آزادانه طرفین پرونده در مرحله دادرسی تصریح شده است و البته در این ماده ممنوعیتی برای حضور سایرین بیان نشده است و چه بسا این ماده به چگونگی رسمیت جلسات رسیدگی پرداخته و شرط رسمیت جلسه را حضور طرفین دعوی ذکر کرده است و عبارت پایانی این ماده به نوعی بیانگر این ادعاست. اما ماده ۳۶ به امکان دعوت از طرفین دعوی یا شخص دیگر تصریح شده است. در ماده ۳۷ بطور کلی و بدون اشاره به شخص خاصی مقرر شده است: «در صورت ایجاد اختلال در جلسه رسیدگی، هیأت می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که به نحوی نظم جلسه رسیدگی را به هم زده و موجب اختلال در آن شده‌اند را صادر کند.» از این ماده نیز می‌توان علنی بودن رسیدگی را احراز کرد هر چند که قرینه قطعی در این خصوص نمی‌توان ارائه داد (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۹).

رعایت مهلت منطقی برای رسیدگی:

یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی، زمان صرف شده است که حد ایمنی و حساسیت دعوا نیز در گرو آن است، معیاری که مبنای کارایی یا عدم کارایی تلقی می‌شود چرا که تعیین بازدهی آرای دادگاه‌ها را در حقوق شکلی تشکیل می‌دهد. معیار زمان هم در شکل‌گیری حقوق

و قواعد آن، عنصر طلایی به حساب می‌آید (الماسی، حبیبی درگاه، ۵۵:۱۳۹۱). رسیدگی به دعاوی و شکایات در اسرع وقت یکی از شرایط یک محاکمه عادلانه است و اگر بنا به علتی، حتی قانونی، فرآیند رسیدگی دچار اطاله غیرطبیعی شود قطعاً به دادرسی منصفانه لطمه وارد خواهد کرد. هرچند که حتی حکم هم به نفع صاحب حق صادر شود (گلدوست، جهاندار، ۱۳۸۸). البته شتاب در رسیدگی نیز حقوق اصحاب دعوا را ضایع خواهد کرد. در قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ در ماده ۱۸ آن پیش‌بینی شده بود که هریک از طرفین اختلاف می‌تواند موضوع درخواست خود را به اطلاع هیات داوری رسانده و تقاضای صدور رأی نماید. هیات داوری بورس باید فی‌المجلس به موضوع اختلاف رسیدگی کرده و رأی خود را اعلام نماید در صورتی که رسیدگی و اعلام رأی در همان مجلس ممکن نباشد، هیات داوری باید حداکثر ظرف سه روز رأی خود را صادر و اعلام کند. در این خصوص متأسفانه در قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و آیین‌نامه مرتبط با آن، ضرورت رسیدگی در مهلتی مناسب با وضعیت پرونده مطروحه، تصریحی وجود ندارد و فقط پس از تکمیل پرونده از سوی هیات به دبیرخانه دستور تعیین وقت داده می‌شود (سلیمانی‌فر، ۸۸:۱۳۹۲).

در چنین وضعیتی، به لحاظ عدم پیش‌بینی مدت خاصی برای این پروسه و به دلیل وجود عوامل متعدد دیگر، زمینه برای عدم رعایت این اصل در رسیدگی به پرونده‌های بورسی فراهم بود. اما با تصویب «آیین رسیدگی به اختلافات» موادی از این سند به لزوم رعایت مفاد یا مدلول این اصل در بخشهایی از رسیدگی که به ناگاه قسمتهای مهم رسیدگی را تشکیل می‌دهند به رعایت بازه زمانی «معین» یا «معقول» توجه شده است. در این باره در ماده ۲۶ در خصوص جریان دادخواست به لزوم رعایت بازه‌های زمانی: پنج‌روزه، ده‌روزه، دو ماه و چهل و پنج‌روزه در ارتباط با تشکیل جلسه رسیدگی تصریح شده است. در تبصره این ماده مقرر شده است: «هیأت تمام تلاش خود را به منظور پیشگیری از طولانی شدن اوقات رسیدگی به کار خواهد گرفت». همچنین در جهت تسریع در ابلاغ اوراق، اخطاریه و آراء در مواد ۲۹ تا ۳۲ تمهیداتی اندیشیده شده است. برای مثال در ماده ۲۹ به لزوم ارسال اوراق از طریق روش‌های الکترونیکی تصریح شده است. در ماده ۳۰ تصریح شده است بعد از راه‌اندازی سامانه الکترونیکی هیأت، ارسال اوراق باید از طریق آن انجام شود. در ماده ۳۲ نیز، در جهت شفاف‌سازی در خصوص روز ابلاغ به طرفین، مقرر شده است: «ابتدای مهلت‌های زمانی، از روز بعد از تاریخ ابلاغ، شروع می‌شود...». در تبصره ۲ ماده ۳۹ به لزوم انجام امر کارشناسی توسط کارشناس در بازه زمانی مقرر

شده از طرف هیأت تصریح شده است. حتی در مورد پرونده‌های مربوط به موضوع ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها، به رسیدگی خارج از نوبت و بدون تشکیل جلسه تصریح شده است. در ماد ۴۶ در خصوص زمان اصدار رأی مقرر شده است رأی هیأت پس از اعلام ختم دادرسی در همان جلسه یا حداکثر ظرف مدت یک‌هفته انشاء شود (مولائی، ۱۳۹۸: ۲۰). ملاحظه می‌شود که در اینجا موارد و مواقع مهم مرتبط با اصل رعایت مهلت معقول در رسیدگی، مورد توجه سند اخیر قرار گرفته است.

حق دسترسی به وکیل

حق برخورداری از وکیل یکی از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی عادلانه است وکیل می‌تواند در برابر تمایلات و لغزش‌ها، اشتباه‌ها، افراط‌ها، بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها، اقدامات نابجا، ناروایی‌ها و هر آنچه مخل قضاوت عادلانه است با تذکرات قانونی ایستادگی کند و از وقوع آن جلوگیری کند (کریم‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۷). تا سال ۱۳۹۸ به این حق تصریح خاصی در قانون بازار اوراق بهادار و آیین‌نامه‌های مربوط به آن نشده بود هرچند در بروشور راهنمای طرح دعوا در سایت بورس اوراق بهادار کشور^۱ به ماده ۳۱ و ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره شده بود و همین‌طور بیان می‌داشت که وکیل رسمی دادگستری علاوه بر تقدیم اصل و کالت‌نامه، باید واجد اختیار طرح دعوا نزد هیات داور باشد و تمبر مالیاتی به میزان قانونی توسط وی ابطال شود. بر مبنای اینها می‌توان اذعان داشت که دسترسی به وکیل برای طرفین پرونده مطروحه در هیات داور با محدودیتی مواجه نیست. جلوگیری از حضور وکیل بی‌گمان جز اضرار به حق دفاع و جلوگیری از برگزاری یک دادرسی عادلانه نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت (آشوری، ۱۳۷۹: ۹۳). با تصویب «آیین رسیدگی به اختلافات» مواد ۱۵ و ۱۷ تا ۲۰ به صراحت یا مفروضاً به امکان طرح دعوی و پیگیری آن توسط وکیل پرداخته است. بند ۴ ماده ۱۵ از جمله شرایط دادخواست را ابطال تمبر مالیاتی توسط وکلای دادگستری در پرونده‌هایی که وکیل دارند تصریح شده است. در ماده ۱۷ آشکارا هر دو طرف دعوی می‌توانند برای خود حداکثر دو وکیل داشته باشند (مولائی، ۱۳۹۸: ۲۳). بنابراین امکان دسترسی به وکیل به صراحت پیش‌بینی شده است هرچند که دستگاه‌های حکومتی بجای وکیل دادگستری می‌توانند از نماینده حقوقی خود نیز بهره‌مند شوند (ماده ۱۹).

1. <http://tse.ir/>

مستند و مستدل بودن آرای صادره از هیات داوری

با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی مکلف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین موضوعه بیابد و در صورت نبود قانون با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال از رسیدگی و صدور رأی خودداری کند. بدیهی است که با توجه به ماهیت اختلافاتی که در هیات داوری مطرح می‌شود، عدم صدور حکم توسط هیات داوری خلاف اصل ۱۶۷ قانون اساسی است و منتج به تضییع حقوق طرفین خواهد شد. استناد و استدلال یکی از عناصری است که منجر به جلوگیری از خودسری دادگاه می‌شود. در اینجا استناد عبارت از یافتن حکم قانون در یک پرونده خاص است و استدلال عبارت است از تحلیلی که قاضی در خصوص علت اعمال حکم قانون بر موضوع معین بیان می‌کند. بنابراین اصل حاکمیت قانون الزام می‌کند که آراء مراجع رسیدگی‌کننده منطبق با قانون و مقررات صادر شود، زیرا اگر این اصل ساری و جاری نشود مراجع می‌توانند به خواست خود نتیجه دعوا را معین کنند و رأی دل‌بخوانه صادر کنند. بدیهی است که صرف استناد به مواد قانونی نمی‌تواند کافی باشد، زیرا باید دقیقاً مقام صادرکننده مشخص کند که چگونه حکم واقع شده است (رستمی و آقایی طوق، ۱۳۸۸: ۱۰۲). با توجه به عدم اشاره قانون بازار اوراق بهادار به این موضوع، اول: از منظر هنجارگرایی حقوقی، این اصل به ابتدای تکیه بر اصول کلی، قابلیت اعمال دارد. دوم: به استناد اصل ۱۶۶ قانون اساسی، از این حیث که موضوع اصل ۱۶۶، فاقد خصوصیت است، بنابراین قابل اعمال بر مطلق دادگاه‌ها، از جمله آرای هیأت است. سوم: با وحدت ملاک از ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان گفت که رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف قوانین موجد حق نباشد. چهارم: برخی از مواد «آیین رسیدگی به اختلافات» به موضوع ارجاع به کارشناسی اختصاص یافته‌اند. استفاده از نظر کارشناس در موادی همچون ۳۹ و ۴۱ قرینه متقنی بر لزوم مستدل بودن رأی است و درواقع، نظر کارشناسی از مقدمات نظری استدلالی بودن رأی است در غیر این صورت نیازی به چنین نظری نبود چرا که در رأی دلبخواهی، نیازی به ارجاع به کارشناسی نیست. پنجم: در قسمتهایی از «آیین رسیدگی به اختلافات» به لزوم مستند بودن و مستدل بون اشاره شده است. در ماده ۴۲ به استفاده از مستندات در مقام انشای رأی تصریح شده است یا اینکه در ماده ۴۳ به لزوم استفاده از نظر خبرگان اقتصادی و مالی و غیره برای حصول اطمینان از کشف حقیقت استفاده کند یا اینکه در تبصره ۱ ماده ۴۴، آشکارا به لزوم ابراز و ضبط نظر مستدل اقلیت در مقام انشای رأی در

پرونده تأکید شده است یا اینکه در بند ۵ ماده ۴۷ از جمله مفاد رأی، ذکر «جهات، مستندات، مواد قانونی و دلایل مربوطه» آمده است (مولائی، ۱۳۹۸: ۲۲). با این توضیحات، مشخص است که اصل گفته شده در دادرسی بورسی شناسایی شده هرچند که اگر قائل به هنجاری بودن اصول دادرسی منصفانه در عموم پرونده‌ها باشیم در این صورت نیازی به تصریح و تأکید در قانون بازار اوراق بهادار یا سایر اسناد مربوطه نخواهد بود. اما اصولاً آرای صادره از هیات‌داوری در قالب جملات تکراری اصدار می‌شود که این اختصار، مجالی برای مستدل نمودن آن باقی نمی‌گذارد. همان‌طور که هدف دادرسی منصفانه ابتدای آراء بر پایه استدلال‌ها و استنادهای اصحاب دعوا است، از آرای هیات‌داوری نیز چنین انتظاری می‌رود.

حق تجدیدنظرخواهی

امکان بروز اشتباه در هرگونه فعالیت بشری موضوعی اجتناب‌ناپذیر است و همان‌گونه که معروف است انسان موجودی جایز الخطاست. فرآیند قضایی نیز از این قاعده مستثنا نیست، از این رو حمایت افراد در برابر اشتباه قضایی امری ضروری به نظر می‌رسد. بازنگری در تصمیم یک مرجع توسط یک مرجع دیگر و بالاتر به این منظور اندیشیده شده است (فضائی، ۱۳۸۹: ۴۵۵). یکی از طرق شکایت از آراء، تجدیدنظرخواهی است (شمس، ۱۳۸۵: ۳۱۲). این حق در فرآیند دادرسی در زمره حقوق اساسی بشر، در مراجع رسیدگی‌کننده به شمار می‌رود و به‌عنوان یک حق شناخته شده است (منصورآبادی، ۱۳۸۴)، که دارای دو اثر تعلیقی و انتقالی است، اثر تعلیقی آن مانع قطعیت و لازم‌الاجرا شدن و به اجرا درآمدن مفاد آن خواهد شد و اثر انتقالی آن نیز سبب انتقال رسیدگی از یک مرجع به مرجعی اصولاً در رتبه‌ای بالاتر از مرجع قبلی خواهد شد (شمس، ۱۳۹۰: ۱۵۴). تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون تصویب بازار اوراق بهادار مقرر می‌دارد: «آرا صادرشده از سوی هیات داور، قطعی و لازم‌الاجرا است و اجرای آن بر عهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت‌اسناد و املاک است.» در این زمینه نمونه رأیی نیز موجود است که خواهان پرونده در هیات داور درخواست بطلان معامله بورسی موردنظر را نمود، هیات داورى یادشده با رسیدگی به دعوی، ضمن صدور رأی بر بطلان معامله بورسی، رأی صادره را قطعی و لازم‌الاجرا اعلام کرد. متعاقباً محکوم علیه نسبت به آن در دادگاه عمومی حقوقی تهران اعتراض کرد و درخواست اعلام بطلان آن را نمود. موضوع در شعبه ۲۱ دادگاه حقوقی تهران مطرح و شعبه مزبور به موجب رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۸۱۰۰۸۳۸ مورخ ۱۴/۱۰/۱۳۹۳ به استناد تبصره ۵

ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار رأی هیات داوری را قطعی و لازم‌الاجرا دانست و اعتراض به رأی هیات داوری را مغایر قانون دانست و دعوی را غیرقابل طرح دانسته و حکم به بطلان دعوی داد در ادامه شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر تهران در مقام تجدیدنظرخواهی به موجب رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۹۷ مورخ ۴/۷/۹۴ اعلام کرد: «... و اینکه دادگاه بدوی به استدلال اینکه سهامی که از طریق بازار اوراق بهادار فروخته می‌شود مقررات حاکم بر این بازار از جمله تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، ساری و جاری است و تجدیدنظرخواه، ایراد و دلایلی که خدشه بر استدلال فوق وارد نماید اقامه ننموده‌اند»؛ رأی بدوی را تأیید کرد. رأی یادشده نمونه‌ای از رویه رایج دادگاه‌ها در عدم پذیرش دعاوی اعتراض به آرای هیات داوری است (شهنایی، ۱۳۹۴: ۷۴). این در حالی است که حق دادخواهی از حقوق اساسی افراد است که اصل ۳۴ قانون اساسی بدان تصریح داشته و به موجب اصل ۱۵۶، قوه قضاییه مرجع تحقق بخشیدن به عدالت و رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و شکایات و نظارت بر حسن اجرای قوانین است. بر این اساس، برداشت از ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار و غیرقابل اعتراض دانستن رأی صادره از هیات داوری بازار اوراق بهادار، نافی حق دادخواهی فرد و تضمین حسن اجرای قوانین و حقوق افراد توسط قوه قضاییه به عنوان مرجع عام تظلمات است، به گونه‌ای که رعایت اصول اساسی رسیدگی عادلانه و حکم قانونی را تضمین نمی‌کند (همان، ۱۳۹۴: ۷۹). امکان بروز اشتباه در هر گونه فعالیت بشری موضوعی اجتناب‌ناپذیر است و فرآیند قضایی نیز از این قاعده مستثنا نیست، از این رو حمایت افراد در برابر اشتباه قضائی امری ضروری به نظر می‌رسد. بازنگری در تصمیم یک مرجع توسط یک مرجع دیگر و بالاتر به این منظور اندیشیده شده است. با در نظر گرفتن فلسفه وجودی اصول: ۳۴، ۱۵۹ و ۱۷۳ قانون اساسی، شایسته و بایسته است که اول: حق تجدیدنظرخواهی از آرای این گونه مراجع نزد مرجع قضایی برای ذی‌نفعان شناسایی شود. دوم: ظاهراً در راستای «اصل تسریع» در دادرسی بورسی، مفهوم «قطعی و لازم‌الاجرا» بودن رأی در ماده ۳۷ قانون بورس اوراق بهادار به غلط به «نهایی بودن» رأی تعبیر گردیده است و این وضعیت به نوع دیگری در ماده ۴۴ «آیین رسیدگی به اختلافات» تکرار شده است. این در حالی است که «حق دادخواهی» به مثابه یک حق برتر نمی‌تواند با تفسیر یا رویه ناصواب نفی گردد. سوم: مرجع رسیدگی به این گونه اعتراضات به درستی به استناد ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری، شعب دیوان مذکور باشند و نباید برای دادگاه‌های دادگستری در این خصوص صلاحیتی را در نظر گرفت چرا که هیأت یادشده، نهادی شبه قضایی با کارکرد

دادگاه اداری است و ماده ۴۴ «آیین رسیدگی به اختلافات» بر مبنای چنین منطقی نگاشته شده (مولائی، ۱۳۹۸: ۲۵) و مقرر داشته است: «رأی هیأت با نظر موافق قاضی و حداقل یک عضو دیگر صادر می‌شود». با این حال در نوشته‌ای نظر به «ماهیت ترافعی» پرونده‌های بورسی با استناد به آرای وحدت‌رویه‌ای، از صلاحیت محاکم دادگستری دفاع شده و در مقابل، نظرات مخالف نیز آمده است (ر.ک: شکری، ایرانشاهی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۸۴ به بعد). ملاحظه می‌شود که حق تجدیدنظرخواهی در اینجا به محاق رفته است و به غیر از «تجدیدنظرخواهی فوق‌العاده درون‌سازمانی» راهکار دیگری پیش‌بینی نشده است.

فرجام

نوشتاری که از نظر گذشت، در صدد بود در راستای اصول حقوق عمومی، جایگاه اصول دادرسی منصفانه را در هیأت‌داوری بورس به بحث بگذارد. در رقابت میان بازیگران بازار، امکان بروز اختلاف وجود دارد که بورس نیز از این قضیه مستثنا نیست. دادرسی منصفانه یک نوآوری قابل توجه در دادرسی انگاشته می‌شود که دارای آثار حقوقی در راستای تضمین حقوق شهروندان است که از نیمه دوم قرن بیستم در مباحث حقوق بشری مورد توجه جدی فعالان حقوق بشر و حقوق‌دانان قرار گرفت. همین امر نیز سبب گشت که در سطوح مختلف اسناد گوناگونی در راستای اعمال این اصول در دادرسی‌ها به تصویب برسد. رئوس نتایج پژوهش از این قرار است:

۱- با توجه به ضرورت شناخت جایگاه اصول دادرسی منصفانه در هیأت‌داوری سازمان بورس، در این پژوهش مشاهده شد نارسائی‌هایی در جهت اعمال آیین اصول دادرسی منصفانه در هیأت‌داوری به چشم می‌خورد که برای رفع آن نیاز به بازنگری در اسناد این حوزه است. درواقع رعایت جایگاه اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های این هیأت به‌طور کامل جریان ندارد و با بررسی صورت گرفته در این پژوهش، مشاهده شد که مواردی از اصول دادرسی منصفانه به حاشیه رانده شده یا از اساس مورد توجه قرار نگرفته است.

۲- با شناخت جایگاه اصول دادرسی منصفانه می‌توان گواهی داد که شناخت و رعایت این اصول در روند اعمال دادرسی و قضاوت منتج به مشارکت شهروندان در مراحل از تصمیم‌گیری می‌شود و البته این وضعیت در ارتباط با هیأت‌داوری جایگاه شایسته‌ای ندارد.

۳- هیات داوری بورس به عنوان یکی از زیرمجموعه های حاکمیتی، دارای دامنه صلاحیت های مهمی است در نتیجه رسیدگی به اختلافات در این مرجع، با رعایت اصول دادرسی منصفانه منجر به وجود آمدن عملکردی رضایت بخش، کارا، مؤثر و شفاف خواهد شد که این نتایج از اصول بنیادین «حکمرانی خوب» است و به میزانی که چالش در اعمال این اصول وجود داشته باشد اعتماد و رضایتمندی از این ارگان پایین خواهد بود.

۴- جایگاه هیات داوری در مقررات مربوط به بازار سرمایه منتج به شکل گیری رویه ای خاص خواهد شد، زیرا تخصصی بودن دعاوی در این هیات و از سوی دیگر عدم امکان تجدیدنظرخواهی از آرا هیات داوری، به سختی در به چالش کشیدن حقوق مراجعه کنندگان به این مراجع نقش آفرینی می کند و شایسته است در این خصوص تمهیداتی اندیشیده شود.

۵- قانون گذار چه در سال ۱۳۴۵ و چه در سال ۱۳۸۴ در زمان تصویب قانون حاکم بر بازار اوراق بهادار، به ضرورت رابطه معنادار میان: «دادرسی منصفانه» و «هیأت داوری» توجه جدی نداشته است. همین طور ساختار حقوقی هیات داوری هم، چندان مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته بود. این امور هر کدام می توانند بر اصلاح و تنقیح قوانین در راستای ایجاد مقررات مطلوب هر کدام نقش مهمی را ایفا کنند.

۶- تا سال ۱۳۹۸ مشاهده شد در فقدان آیین دادرسی معین، مشخص و کامل در هیأت داوری، این مرجع از هیچ متن مستقلی در رابطه با آیین رسیدگی برخوردار نبود و برای رسیدگی از آیین مقرر در قوانین عام یعنی قانون آیین دادرسی مدنی استعانت جسته می شد که در برخی موارد به دلیل تخصصی بودن اختلافات بورسی عدم سازگاری ایجاد می کرد. بنابراین تا سال ۱۳۹۸، سخن گفتن از جایگاه تثبیت شده اصول دادرسی منصفانه سخن در این ارگان بسیار گزافه بود. اما با تصویب «آیین رسیدگی به اختلافات» در سال ۱۳۹۸، برخی از اصول دادرسی منصفانه به قراری که در بالا توضیحاتش گذشت، شناسایی شد.

۷- آنچه در این برهه کنونی می تواند راهگشا برای برطرف کردن چالش های به وجود آمده باشد نخست: نیاز به اصلاح و بازنگری در قوانین موجود و حاکم در مرجع موردنظر است. دوم: نیاز به نظارت شایسته نهادهای نظارتی، به ویژه دیوان عدالت اداری بر آرا

مرجع یادشده است که جای خالی این امر بیشتر به صورت عدم امکان تجدیدنظرخواهی از آرا صادر در هیات داوری به چشم می‌آید. البته در این بین نیاز به تجدیدنظر در رویه این مراجع نیز مدنظر است که باید تعدیل شود و اصول دادرسی منصفانه که از مهم‌ترین اصول حقوق بشری نیز هست، باید در مبانی آرای هیأت‌ها ملاک قرار گیرد. در غیر این صورت اکتفا به تنقیح و یا اصلاح قوانین به تنهایی نمی‌تواند راهگشا باشد. سوم: باید بپذیریم که هیأت‌داوری نمودِ بارزی از مراجع تخصصی است که از منظر حقوق عمومی به حل و فصل اختلافات می‌پردازد و از این حیث، تفاوتی بین «کارکرد» این مراجع با دادگاه‌های دادگستری وجود ندارد و لذا به همان دلایلی که باید اصول دادرسی منصفانه در دادگاه‌ها حاکم باشد در این هیأت‌ها نیز باید حکم‌فرما باشد.

منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۷۸)، *آیین دادرسی کیفری: اندیشه‌ها*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد چهارم
- آشوری، محمد. (۱۳۷۹)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت، جلد دوم
- الماسی، نجادعلی و حبیبی درگاه، بهنام. (۱۳۹۱)، *درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی* کارآمد، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره هفدهم، شماره ۵۸، ص ۴۷ تا ۷۲
- جعفری، محمدجعفر. (۱۳۹۴)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و هشتم
- سلیمانی فر، مهدیه. (۱۳۹۲)، *مراجع حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی
- سوادکوهی، سام. (۱۳۸۸)، *هیأت داوری بازار اوراق بهادار، تهران*، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس.
- سلطانی، محمد (۱۳۹۶)، *حقوق بازار سرمایه*، تهران: سمت.
- شکری، محمد؛ ایرانشاهی، علیرضا و تقی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۸)، «امکان‌سنجی اعتراض به آرای هیأت داوری بورس؛ دیوان عدالت اداری یا محاکم دادگستری»، *فصلنامه حقوق اداری*، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۱۷۷-۲۰۰
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۰)، *آیین دادرسی مدنی: دوره بنیادین*، تهران: انتشارات دراک، چاپ پانزدهم، جلد دوم
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۸)، *آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین*، تهران: انتشارات دراک، چاپ پنجم، جلد دوم
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۵)، *آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین*، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ نهم، جلد دوم
- شهنیایی، احمد. (۱۳۹۴)، «نقد رویه دادگاه‌ها مبنی بر عدم قابلیت اعتراض به آرا هیأت داوری بازار اوراق بهادار، *فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی*، شماره ۱۱، صص ۷۳-۸۰
- صادقی، محمد؛ صادقی مقدم، محمدحسن و صالحی، علی اصغر. (۱۳۹۴)، «مرجع صلاحیتدار حل اختلاف در بازار سرمایه ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۶۳-۲۴۳.
- صفایی، سید حسن. (۱۳۷۵)، *حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات میزان
- طباطبایی موتمنی، منوچهر. (۱۳۷۰)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- عمید، حسن. (۱۳۶۹)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم
- غفاری، هدی؛ عباسی کلیمانی، عاطفه. (۱۳۸۵)، «مروری بر حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکرد بر اسناد فراملی»، *مجله فقه و حقوق خانواده*، شماره ۴۳، صص ۱۱۹-۱۴۸
- فخارطوسی، جواد. (۱۳۹۱)، *حقوق متهمان (فقهی - حقوقی)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- فضائلی، مصطفی. (۱۳۸۹)، *دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ دوم
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، (۱۳۸۰)، «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر، حق تعهد، آزادی، برابری، عدالت»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲۰۹-۲۶۶
- قربانیان، حسین. (۱۳۸۹)، «فرآیند رسیدگی به اختلافات فعالان بورس»، *ماهنامه کانون*، دوره هفتم، شماره ۱۱۲، صص ۱۱۵-۱۴۲
- کریم‌زاده، احمد. (۱۳۸۱)، *تخلفات انتظامی قضات*، تهران: نشر میزان

- کلی، جان. (۱۳۸۲)، *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمدراسخ، تهران، انتشارات طرح نو
- گلدوست جویباری، رجب؛ جهاندار، اکبر. (۱۳۸۸)، «عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری»، نشر تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، ص ۲۸۱-۳۲۰
- متین دفتری، احمد. (۱۳۴۰)، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- منصورآبادی، عباس. (۱۳۸۴)، «حق تجدیدنظر در فرآیند دادرسی عادلانه»، *نشریه اندیشه‌های حقوقی*، سال سوم، شماره هشتم، ص ۶۱-۸۹
- موسوی، سیدفضل‌الله؛ موسوی، سیدمهدی. (۱۳۸۸)، «آثار دادرسی فوری در حقوق ایران و انگلیس»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)*، دوره سی و نهم، شماره سوم، ص ۳۴۳-۳۶۷
- مولائی، آیت. (۱۳۹۸)، *جزوه حقوق اداری ایران*، کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا
- میرزایی منفرد، غلامعلی. (۱۳۸۷)، *سازگاری فصل اختلافات در بازار سرمایه به مطالعه تطبیقی*، تهران، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.
- میرزایی منفرد، غلامعلی. (۱۳۹۵)، *حقوق بازار اوراق بهادار، بخش اختلافات*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی، زین‌العابدین. (۱۳۸۴)، *سیستم قضایی خصوصی به روش قاضی تحکیم از منظر فقه شیعه*، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۷ دفتر سوم، ص ۱۲۱-۱۴۳
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، انتشارات میزان
- هداوند، مهدی. (۱۳۸۹)، *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: سمت، جلد دوم
- هداوند، مهدی. (۱۳۸۶)، *مهار قدرت و تحول آن در حقوق اداری*، نشریه حقوق اساسی، شماره ۸، ص ۲۷۷-۳۱۸
- یوسف زاده، مرتضی. (۱۳۹۲)، *آیین داورى*، تهران، شرکت سهامی انتشار
- Zeitune, F. & Guzmán, A. (2007), *International Principles on the Independence and Accountability of Judges, Lawyers and Prosecutors*, Switzerland, *International Commission of Jurists*

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 license.